

چرا روز حکمت؟ و در این روز چه باید کرد؟

صفحه ۳

رحمان حسین زاده

خلیجی که بر سر نامش دعوا است، انسان‌هایی که نام‌شان حذف شده!

صفحه ۴

علی جوادی

دولت رفاه؛ سیستم رو به افول

صفحه ۵

وریا روشنفکر

در مورد ایجاد سازمانهای کارگری

صفحه ۶

منصور حکمت

گزارشی از سازماندهی اول ماه مه در شهرزیگن

صفحه ۱۱

امیر عسکری

گزارشاتی از مراسمهای اول مه روز جهانی کارگر

زنان زندان اوین، فعالین زن در سندانج، کارگران ساختمانی مریوان

صفحه ۱۳

اخبار مبارزات کارگری و جنبشهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: حیات الماسی و اوین رضایی

۸۰۱

هکمتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran
Hekmatist

۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۴ - ۹ مه ۲۰۲۵

طرح جدید دولت اشغالگر اسرائیل برای ادامه نسل کشی و تصرف کامل غزه

مصوبه کابینه امنیتی دولت دست راستی نتانیاهاو

دولت دست راستی و اشغالگر اسرائیل روز یکشنبه ۴ مه اعلام کرد که عملیات نظامی خود را در غزه گسترش خواهد داد و این منطقه را برای مدت نامعلومی اشغال خواهد کرد. در کابینه امنیتی دولت فاشیست نتانیاهاو این تصمیم گرفته شده و پارلمان اسرائیل نیز در همین روز به طرح کامل اشغال غزه توسط ارتش اشغالگر اسرائیل موافقت کرده است. هدف دولت قومی و فاشیست اسرائیل از این طرح ظاهراً فشار بر حماس و اشغال برای آزادی گروگانهاست.

ما قبلاً هم گفته ایم که هدف از توافق اسرائیل بر سر آتش بس، نه پایان جنگ و نسل کشی و عقب نشینی ارتش از غزه، بلکه آزادی گروگانها و آغاز پاکسازی کامل فلسطینیان در غزه است. ارتش اسرائیل اعلام کرده که مطابق طرح جدید نیروهای ذخیره برای دامنه عملیات فراخوانده است و هدف این طرح "تصرف نوار غزه و کنترل این سرزمین است". طرحی که دولت ترامپ بر آن مهر تایید گذاشت و مورد توافق هر دو دولت اسرائیل و آمریکا است. چشم دوختن به منابع ثروت در غزه هر نوع نگاه انساندوستانه به غزه را کور کرده است. دولت ترامپ رسماً از مردم غزه خواست

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

طرح جدید دولت اشغالگر اسرائیل برای ادامه نسل کشی و تصرف کامل غزه

مصوبه کابینه امنیتی دولت دست راستی نتانیاها

که آنجا را ترک کنند و دولت اسرائیل با طرح جدید لشکر کشی و اشغال غزه این هدف را می خواهند عملی کنند. چشم دوختن به منابع ثروت، نگاه و طمع سرمایه دارانه به غزه، هر نوع حس انسان دوستی به مردم گرفتار در غزه را کور کرده است.

از آنجایی که دولت اسرائیل به اهدافش، یعنی آزادی کامل گروگانها نرسید، با حمله مجدد به غزه پایان آتش بس را اعلام کرد و در یک حملات وحشیانه بیش از ۳۰۰ نفر از مردم غزه را به قتل رساندند. با پایان آتش بس و آغاز دور جدید حملات ارتش، دولت اسرائیل مانع ورود کمک های بشردوستانه به غزه شده است. به گفته آژانس هماهنگی در امور بشر دوستانه سازمان ملل بیش از دوماه با پایان آتش بس در غزه، هیچ محموله انسانی به غزه وارد نشده و تهدید به ادامه جنگ و اشغالگری زندگی بیش از دومیلیون فلسطینی را جمعا با خطر گرسنگی و مرگ روبرو کرده است. در همین حال آژانس بشر دوستانه؛ او جاس؛ طرح اسرائیل برای اجازه ورود کمک های بشر دوستانه به غزه از طریق مراکز تحت کنترل ارتش در جنوب غزه را محکوم کرده است.

در این میان دولت های اروپایی که از آغاز حمله دولت دست راستی اسرائیل به غزه از اکتبر ۲۰۲۳ تحت عنوان دفاع از خود دست دولت فاشیست اسرائیل را برای ادامه اشغالگری و نسل کشی مردم فلسطین باز گذاشتند و از هیچ گونه حمایتی از دولت اسرائیل دریغ نکردند، دوباره در مقابل طرح جدید مرگبار کابینه اسرائیل برای اشغال کامل غزه، برای مردم فلسطین اشک تمساح می ریزند و به دولت اسرائیل معترضند که این طرح جان غیر نظامیان را به خطر می اندازد و قابل قبول نیست. ده ها است که می گویند سرزمینهای فلسطین متعلق به این مردم است و راه حلی جز دولت مستقل فلسطینی برای حل بحران فلسطین وجود ندارد، ولی نه تنها اقدام جدی برای پایان این اشغالگری انجام نمی دهند، بلکه فقط به انتقاد های بشر دوستانه از دولت اسرائیل بسنده می کنند. به این دلیل است که اتحادیه اروپا با ابراز نگرانی، طبق معمول اسرائیل را به خویشتنداری فراخوانده و نسبت به تلفات غیر نظامیان هشدار داده است. بریتانیا و فرانسه و آلمان از طرح دولت اسرائیل انتقاد کرده اند و چین هم مخالفت کرده است.

بیش از یکسال ونیم از حمله ارتش جنایتکار اسرائیل به غزه می گذرد. در طول این مدت بیش از ۶۰ هزار نفر زن و کودک و پیر و جوان کشته شده اند. یک نسل کشی به تمام معنا، با قصد پاکسازی کامل مردم از غزه آغاز شده و اکنون دولت اسرائیل با طرح جدید قصد انجام آن را دارند. از آغاز جنگ تا کنون دولت های اروپایی و سیاستمداران بورژوا در مواضعشان نسبت به این جنگ نه مخالفت با این جنگ و نسل کشی بلکه به انتقادهای حقوق بشری، هشدارهای بی عمل محدود بوده و آنچه هنوز ادامه دارد کشتار و به گرسنگی کشاندن دو میلیون آدم در این سرزمین خراب شده است. آنچه ما در غزه شاهد هستیم گوشه ای از قساوت، بی رحمی و جنایت نظام سرمایه داری حاکم، قلدری دولتی تا دندان مسلح، قومی و نژاد پرست، علیه مردمی بی دفاع،



آواره و محروم از زره ای رفاه و آزادی است، تراژدی انسانی که دولتهای مدح دمکراسی فقط به انتقاد و نگرانی بسنده می کنند و نمی خواهند جلو این جنایت و نسل کشی را بگیرند. این یک واقعیت بنیادی نظام کنونی و دولتهای سرمایه داری است. قتل، جنایت، اشغالگری و نسل کشی.

به اشغالگری و نسل کشی در فلسطین باید پایان داد. باید دولتهای بورژوازی

را برای پایان جنگ و اشغالگری تحت فشار قرارداد. باید مردم از آدیخواه جهان در برابر اشغال و نسل کشی مردم فلسطین کوتاه نیایند و از هرازارو راهی برای پایان جنگ تلاش کرد. راهی جز به رسمیت شناختن دولت مستقل فلسطین برای پایان این تراژدی انسانی در دسترس نیست.

سعید یگانه

۸ مه ۲۰۲۵



مرگ بر جمهوری اسلامی!

چرا روز حکمت؟ و در این روز چه باید کرد؟

رحمان حسین زاده



هر نوع ستم و تبعیض و نابرابری و جهل و خرافه مذهبی و ملی و عقب مانده، بی تردید به سیاست و پراتیک درخشان منصور حکمت نیازمند است. حاصل ۲۵ سال زندگی سیاسی حکمت را باید قابل دسترس کرد. روز تولد و مناسبت گرامیداشت حکمت فرصتی است که هر دوستدار منصور حکمت به سهم خود حکمت را به میان کارگر و مردم ببرد. هر کس به

سهم خود میتواند کاری بکند. در داخل کشور موانع تحمیلی جمهوری اسلامی دامنه عمل اقدامات مورد نظرمان را محدود میکند، اما با وجود آن بسیاری کارها شدنی است. کفایت جمع دوستداران منصور حکمت آشنا و مورد اعتماد هم با رعایت استانداردهای امنیتی جمع شوند، آنوقت مجموعه ای از اقدامات، از مطالعه و بازخوانی آثار او، از پخش و تکثیر و توزیع آثار کتبی و صوتی و تصویری او را در دستور بگذارند. به ویژه هر فرد و یا جمع دوستدار منصور حکمت خلایقانه در شبکه های اجتماعی و رسانه های تصویری و صوتی و کتبی میتواند در شناساندن حکمت و توزیع و نشر آثار او دست به ابتکاری بزنند. به سایت منصور حکمت به عنوان منبع مهم و اصلی آثار کتبی و گفتاری و تصویری حکمت مراجعه کنند. آن را وسیعاً معرفی کنند. به جلب و جذب فعالین کارگری و چپ و آزادیخواه حول کمونیسم کارگری حکمت یاری رسانند. توزیع وسیع تراکت و پوستر به مناسبت روز حکمت ساده ترین کاری است که میتواند در شهرها انجام گیرد.

در خارج کشور هم با برگزاری میزگردها و سمینارهای نئی، ترتیب سخنرانیها و جلسات توضیحی و ترویجی در مورد آثار شاخص حکمت، پخش سی دی سخنرانیها میتوان سهم خوبی را در معرفی کمونیسم حکمت برعهده گرفت. نه تنها رسانه های حزبی ما، بلکه جا دارد، رسانه های کمونیستی، نشریات و رادیو و تلویزیون چپ و آزادیخواه سهمی در گرامیداشت و معرفی عمیق تر و وسیع تر منصور حکمت به عهده بگیرند. به علاوه شخصیتهای و فعالین کمونیستی که شانس کار مشترک و نزدیک با این انسان بزرگ را پیدا کرده اند، ضروری است، درسهای با ارزش و نوشته نشده ای از روش و سبک کار و مناسبات کمونیستی حکمت، از تواضع و فروتنی و صراحت و انسانیت و از ابتکارات و خلاقیتها و استعدادهای فراوان این سمبل کمونیسم را برای نسل کمونیست حاضر بگویند و بنویسند. بدون اینکار شناخت از حکمت و کمونیسم وی ناقص خواهد ماند.

صفحه ۴

منصور حکمت را بخوانید

و به دیگران معرفی کنید!

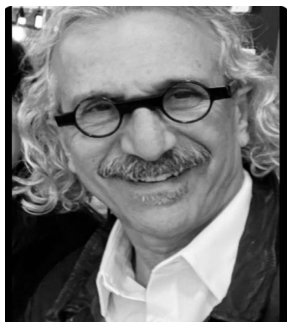
<http://hekmat.public-archive.net>
www.hekmat.com

روز چهاردهم خرداد (چهارم ژوئن) هر سال تولد منصور حکمت، مارکسیست برجسته معاصر، یک فرصت مشخص برای قابل دسترس کردن و معرفی ابعاد متنوع کمونیسم کارگری و انبوه سیاستهای کمونیستی او از جمله "دنیای بهتر" مانیفست مورد نیاز جدال طبقاتی همه جانبه طبقه کارگر است. همین واقعیت دلیل چرایی و ضرورت روز حکمت را توضیح میدهد. در مقابل استثمار و ستم و تبعیض و تباهیهای تحمیلی نظم سرمایه داری و در تناسب قوای به شدت نامساعد کنونی، جدال طبقاتی بیوقفه در جوامع مختلف و در حوزه فعالیت مستقیم ما جامعه ایران در جریان است. جدالی مستمر، گاه نهان و گاه آشکار به وسعت دنیای وارونه امروز. جدالی که برخلاف تصور محدود نگران و مصلحت گرایانه، فقط منحصر به صحنه های بروز آشکار در اعتصابات، تظاهرات، آکسیونها، صف بندیهای رودرو، انتخاباتها، دپاتها، کنترل صحن کارخانه ها، جنگ و گریز خیابانی، جنگ ها و نبردهای نظامی و ... نیست. وقوع هریک از این صحنه ها زیر هر نام و پرچمی تنها گوشه هایی از واقعیت بنیادی تر جدال طبقاتی جاری است. این جدال مهر خود را هر لحظه و روزمره بر کل تحرک جامعه در ابعاد سیاسی، اجتماعی و فکری و فرهنگی و بر کل فعل و انفعال انسان دنیای معاصر کوبیده است. به قول مارکس "موتور محرکه تاریخ است". در دو سوی این جدال، طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار با منافع آنی و آتی، با منافع اقتصادی و سیاسی و با افق و سیاست متقابل ایستاده اند. افق و سیاست کمونیستی و کمونیسم کارگری پرچم طبقه کارگر در این جدال است. کمونیسم کارگری از دوره مارکس تا حکمت با مانیفست کمونیست و دنیای بهتر، از سر این نیاز جدال طبقاتی و اجتماعی به عنوان پلاتفرم طبقه کارگر آگاه ضرورت پیدا کرده است. به میان کارگران و جامعه تشنه آزادی راه باز کرده و از همین سر هم مداوماً و بیش از پیش باید قابل دسترس و به میان کارگران و جامعه برده شود. طبقه کارگر و انسانیت به کمونیسم کارگری حکمت نیازمند است.

در روز حکمت چه باید کرد؟

روز گرامیداشت حکمت آکسیون حزبی و یا غیر حزبی نیست، مراسم تعلق خاطر شخصی به منصور حکمت هم نیست. هدف معرفی کمونیسم کارگری حکمت است. مضافاً گرامیداشت حکمت مختص فعالین حزب کمونیست کارگری - حکمتیست و یا بهتر بگویم محدود به فعالین حزب نیست. این روز به همه دوستداران حکمت و به صفوف گسترده جنبش کارگری و جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی متعلق است. فعالین حزب هم به عنوان بخشی از دوستداران حکمت لازمست مبتکر و پیشقدم اقدامات مربوط به گرامیداشت این روز باشند. گرامیداشت حکمت، به سهم خود میخواهد منصور حکمت این رهبر تاریخ معاصر آزادیخواهی و برابری طلبی و کمونیسم را به جامعه بشناساند. افکار، سیاست، انسانگرایی عمیق و تصمیمات سرنوشت ساز او را به جامعه معرفی کند. طبقه کارگر و جامعه تشنه آزادی، به فکر و سیاست و آلترناتیوهای حکمت نیازمند است. انسان خواستار رهایی، کارگر ضد استثمار، زن خواستار برابری، جوان خواهان سعادت و شادی و آینده بهتر، جنبش حقوق کودک و در یک کلام جامعه عاری از

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!



مگر آن نامی که در مبارزه برای آزادی، برابری و زندگی انسانی ساخته می‌شود. برای ما که در سوی رهایی انسانها ایستاده‌ایم، چه در این سوی خلیج و چه در آن سوی آن، این خلیج نه عربی‌ست و نه فارسی — بلکه باید خلیجی برای تمام انسانها باشد، یا هیچ‌چیز!

نام‌ها نه باید بازپس گرفته شوند، نه تحمیل — بلکه باید کنار گذاشته شوند. نه برای فراموشی، بلکه برای آغاز ساختن چیزی انسانی‌تر، برابرتر، و آزادتر.

8 مه 2025

چرا روز حکمت؟ و در این روز چه باید کرد؟

رحمان حسین زاده

فراخوانم اینست کاری کنیم که در پایان روز تولد حکمت و مناسبت گرامیداشت او تعداد زیادی با حکمت و کمونیسم و انسانیتش آشنا شوند. حول سیاستها و اهداف رهبر برجسته کمونیسم کارگری متحد شوند. افق و سیاست و تحزب کمونیستی کارگری را آنطور که منصور حکمت مبتکرش بود، به عنوان ابزار موثر پیشبرد جدال طبقاتی گسترده و سرنوشت ساز در جهان معاصر و در این دوران به دست بگیرند. دوستداران حکمت و صفوف جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی و فعالین آن را به چنین اقدامات و بسیاری ابتکارات دیگر در خارج و داخل کشور فرامیخوانیم.

8 مه ۲۰۲۵

برنامه های **تلویزیون پرتو**، رسانه حزب کمونیست کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی در اینترنت دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.

آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

خلیجی که بر سر نامش دعوا است، انسان‌هایی که نام‌شان حذف شده!

علی جوادی

دعوا بر سر نام خلیج — که آن را فارسی بنامیم یا عربی — نه مسئله‌ای واقعی زندگی کسی است، نه ربطی به رهایی انسانها دارد، و نه کمترین پیوندی با منافع زیستی انسان‌هایی که در سواحل این آب زندگی می‌کنند. این یک نزاع کاذب و ضد انسانی است؛ ساخته‌گر ایشات ناسیونالیستی و دولت‌ها، هویت‌های کاذب، بازتولید شده در رسانه‌ها، و نهایتاً ابزاری برای تثبیت دروغین هویت‌هایی است که هدفشان تحمیل و سلطه و سرکوب همین مردم است.

هیچ نامی، هیچ نقشه‌ای، و هیچ واژه‌ای به خودی خود نه مشروع است و نه اصیل. آنچه به تاریخ معنا می‌دهد، تلاش اجتماعی انسان‌هاست، جنبش‌هایی‌ست که از دل رنج و استثمار، تبعیض، و نابرابری و محرومیت برخاسته‌اند. کارگر مهاجری که در دبی حق ندارد خانواده‌اش را ببیند، زن ساکن بوشهر که با هزار نوع تبعیض قانونی و اجتماعی مواجه است، کارگر بندر عباس که در انفجار سوخت موشک‌ها، جز غاله میشود، و معترضی که در بحرین سرکوب می‌شود — این‌ها تاریخ واقعی در حوزه این خلیج‌اند. نه کوروش و نه ناصر، نه محمدرضا شاه، نه بن سلمان، نه "فارسی" و نه "عربی".

در این میان، ترامپ صرفاً بیان عریان منطق کثیف بازار و قدرت سرمایه است: او نام نمی‌دهد، معامله می‌کند. وقتی خلیج را "عربی" می‌نامد، در ازای آن قرارداد می‌گیرد، سکوت می‌فروشد، و مشروعیت برای دیکتاتورهای محلی تولید می‌کند و یا حوزه نفوذشان را گسترده‌تر میکند. برای او، این منطقه نه تاریخ دارد، نه مردم، نه آینده؛ فقط یک منطقه قابل خرید و فروش است — همان‌طور که سلاح، نفت، و خاک خریدنی‌اند. مثل هر کالای دیگری. همان‌طور که سودای کودکانه کنترل غزه را در سر پرورانده بود.

و در این میان آنچه تاسف آور است، پیوستن بخشی از مردم تحت تاثیر گرایش‌های ناسیونالیستی به این نزاع پوچ و بی‌معناست که میتواند به سرعت خونین شود. آنان که در واکنش به این معامله گری، به ناسیونالیسم پناه می‌برند، در عمل به بازتولید همان ساختاری کمک می‌کنند که آزادی آنها را خفه کرده است. نام خلیج نه باید دفاع شود و نه تصاحب — باید کنار گذاشته شود، چون مهم نیست که خلیج چه نام دارد، وقتی مردمش نام و صدا و حق و آینده‌ای، مادامکه چنین نظام و سیستم‌هایی در این منطقه و جهان حاکمند، ندارند.

رهایی نه از بازپس‌گیری نام‌ها، که از فروپاشی نظام‌ها و ایدئولوژی‌هایی می‌گذرد که انسان را به مرز و قوم و شناسنامه و پرچم تقلیل می‌دهند. رهایی تنها با سرنوشتی رژیم اسلامی و استقرار نظامی متضمن آزادی و برابری و رفاه همگان، یک نظام آزاد سوسیالیستی میتواند متحقق شود. در این راستا ناسیونالیسم همان نقشی را دارد که اسلام در تحولات پنجاه و هفت بازی کرد. خونین و ضد انسانی!

نه! ما با هیچ نامی شناسایی نمی‌شویم، هویت ما در نام‌ها نیست.

شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!

دولت رفاه؛ سیستم رو به افول

وریا روشنگر

مقدمه

دولت رفاه (Welfare state) شیوه از حکمرانی که بارز ترین نمونه آن در کشورهای اسکاندیناوی برای سالها اجرا میشود؛ شاید یکی از جالب ترین شیوه های اداره اقتصادی کشور است که موافقان و منتقدان جدی دارد.

در این سیستم تا حدی عدالت اجتماعی در جغرافیای سیاسی هدف محقق شده و از این روی دستاورد های بسیاری از نظر بالا بودن سطح شاخص های رفاه اجتماعی و امنیت اقتصادی را برای شهروندان فراهم نموده است.

طرفداران این نظام سیاسی _اقتصادی آموزش رایگان، خدمات درمانی، بیمه بیکاری، مستمری بازنشستگان و یارانه های اجتماعی را بعنوان مهم ترین شاخصه های آن بر می شمارند؛ اما این سیستم منتقدان جدی هم دارد که امروزه شاید بیشتر از هر زمانی صحت نقدهای آنها را در کشورهایی که دولت رفاه را اجرایی کردند واضح گردیده است، کلیدی ترین ایراد را شاید بتوان در عدم الغای مالکیت خصوصی و تداوم کار مزدی فرموله کرد که به منحرب به تداوم استثمار سیستم سرمایه می گردد و این سیستم را نه به راه حل غایی برای تضمین ایجاد برابری، بلکه در واقع به شیوه ای از تثبیت و بقای سرمایه داری تبدیل کرده است از دیدگاه اجتماعی پاشنه آشیل تضمین بقای دولت رفاه ترویج فرد گرایی (Individualism) به عنوان یکی از عوامل عدم وقوع انقلابهای اجتماعی در این کشورها می باشد که در ادامه بدان اشاره می گردد. ابتدا نگاهی به زمینه تاریخی نظریه دولت رفاه بیندازیم.

نظریه دولت رفاهی که در کشورهای اسکاندیناوی (سوئد، نروژ، دانمارک، و بعدها فنلاند و ایسلند) شکل گرفت، از یک منبع واحد نشأت نگرفت، بلکه نتیجه ترکیبی از مبارزات سیاسی، ایده های اقتصادی و جنبش های اجتماعی از اواخر قرن نوزدهم تا قرن بیستم بود.

زمینه تاریخی

۱. سوسیال دموکراسی و جنبش کارگری

جنبش های کارگری قدرتمند در اسکاندیناوی، به ویژه ظهور *احزاب سوسیال دموکرات* در اوایل قرن بیستم، نقش کلیدی داشتند.

این احزاب مانند *حزب سوسیال دموکرات سوئد* خواستار ترکیب سرمایه داری با حمایت های اجتماعی قوی بودند.

هدف آن ها سرنگونی فوری سرمایه داری (همانند کمونیست ها) نبود، بلکه مهار سرمایه داری از طریق مداخله دولتی، بازتوزیع ثروت و تضمین رفاه همگانی بود. سوسیال دموکرات ها باور داشتند که می توان با اصلاحات دولتی، عدالت اجتماعی را بدون انقلاب برقرار کرد؛ مسیری میانه میان سرمایه داری و سوسیالیسم.

۲. سازش طبقاتی بین سرمایه و کار



در دهه ۱۹۳۰، به ویژه پس از رکود بزرگ، کارفرمایان و اتحادیه های کارگری در کشورهایی مانند سوئد به این نتیجه رسیدند که ادامه ی درگیری می تواند برای هر دو طرف فاجعه آمیز باشد. پس از جنگ جهانی دوم، یک حرکت جهانی به

سوی ایجاد دولت های رفاه قوی تر آغاز شد، اما کشورهای اسکاندیناوی حتی فراتر رفتند. آنها حوزه هایی مانند بهداشت، آموزش، مسکن و بازنشستگی را گسترش دادند و هدفشان حذف فقر و نابرابری تا حد امکان بود.

در این جا به چند شخصیت و منبع فکری کلیدی را که در شکل گیری این سیستم منشا اثر بوده اند اشاره می شود:

۱. اتو فون بیسمارک (آلمان، دهه ۱۸۸۰) صدراعظم محافظه کار آلمان را می توان به عنوان پایه گذار دولت رفاه مدرن برشمارد. ویدر دهه ۱۸۸۰ نخستین برنامه های بیمه اجتماعی مدرن را ایجاد کرد (بیمه سلامت، حوادث، و بازنشستگی) البته نه از سر سوسیالیسم، بلکه برای جلوگیری از انقلاب های سوسیالیستی. اهمیت مدل بیسمارک در این بود که برای نخستین بار مدعی شد سرمایه داری می تواند با امنیت اجتماعی ترکیب شود.

۲. جان مینارد کینز (بریتانیا، دهه ۱۹۳۰-۴۰) اقتصاددان بریتانیایی استدلال کرد که دولت باید برای تضمین اشتغال کامل و ثبات اقتصادی، در اقتصاد مداخله کند. وی منطق اقتصادی پشت هزینه کرد دولتی برای رفاه و سرمایه گذاری اجتماعی را فراهم کرد، چیزی که بعدها در سیاست گذاری اسکاندیناویایی نقش کلیدی داشت.

۳. گوستا اسپینگ-آندرسن (دانمارک، اواخر قرن بیستم) جامعه شناس و دانشمند علوم سیاسی دانمارکی، نظریه پرداز مدل های رفاهی؛ در کتاب تأثیرگذارش «سه دنیای سرمایه داری رفاهی» (۱۹۹۰)، دولت های رفاه را به سه دسته تقسیم کرد: لیبرال، محافظه کار، و سوسیال دموکراتیک. وی مدل اسکاندیناویایی را به عنوان مدلی همگانی، بر پایه برابری و مسئولیت دولتی معرفی کرد، نه صرفاً کمک به فقرا.

۴. پر آلبین هانسون (سوئد، دهه ۱۹۳۰-۴۰) نخست وزیر سوئد و رهبر حزب سوسیال دموکرات معمار سیاسی دولت رفاه سوئد. وی مفهوم Folkhem (خانه مردم) را مطرح کرد که ملت را همچون خانواده ای می دانست که دولت وظیفه دارد از همه اعضای آن محافظت کند. هانسون این مدل رفاهی را به شکل نهادی و سیاسی تثبیت کرد و مفاهیمی چون همبستگی، برابری و اشتغال کامل را به ارزش های ملی بدل ساخت.

۵. جنبش های مارکسیستی و سوسیالیستی؛ ریشه های ایدئولوژیک؛ اگرچه مستقیماً دولت رفاه را ایجاد نکردند، اما با مبارزه برای حقوق کارگران، برابری، و برنامه های ضد فقر، فضای اجتماعی آن را فراهم کردند. سوسیال دموکرات ها تلاش کردند برخی از

صفحه ۶

نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزنید!

دولت رفاه؛ سیستم رو به افول

وریا روشنفکر

ایده‌های مارکسیستی را به ویژه در زمینه بازتوزیع و حقوق کارگران با چارچوب سرمایه‌داری سازگار کنند.

در مجموع می‌توان گفت مدل دولت رفاه اسکاندیناویایی حاصل سازش‌های سیاسی، نظریه‌های اقتصادی، و مبارزات اجتماعیست.

در مقدمه به بحث فرد گرایی بعنوان محصول و به نوعی ضامن بقای دولت رفاه اشاره شد، در اینجا به نقد و تفسیر دیدگاه‌های مختلف مارکسیسم به این جریان اشاره می‌شود. ابتدا توضیح چند نکته بصورت مختصر ضروری است.

1. توسعه‌ی پیشرفته‌ی سرمایه‌داری:

مارکسیست‌ها فردگرایی را محصول ساختارهای اقتصادی سرمایه‌داری می‌دانند. کشورهای اسکاندیناوی نسبتاً زود و به طور پیشرفته‌ای سرمایه‌داری را توسعه دادند (به ویژه پس از صنعتی شدن در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم). در جوامع سرمایه‌داری بالغ، رقابت فردی و اتکاء به نفس بر پیوندهای جمعی ارجحیت پیدا می‌کند، زیرا سرمایه‌داری تمایل دارد کار را به یک کالا تبدیل کند و افراد را به عنوان واحدهای جداگانه‌ی تولید و مصرف در نظر بگیرد.

2. دموکراسی اجتماعی به عنوان تثبیت‌کننده‌ی سرمایه‌داری:

اگرچه امروزه کشورهای اسکاندیناوی اغلب «سوسیالیستی» توصیف می‌شوند، مارکسیست‌ها معتقدند که این جوامع همچنان سرمایه‌دارانه هستند، فقط با نظام‌های رفاهی قوی «دموکراسی اجتماعی» به جای «سوسیالیسم». دولت‌های رفاهی ممکن است افراد را از بدترین اثرات سرمایه‌داری (مانند فقر یا بیکاری) محافظت کنند، اما در عین حال اجازه می‌دهند سرمایه‌داری به کار خود ادامه دهد. به این ترتیب، این نظام‌ها می‌توانند فردگرایی را تقویت کنند: افراد احساس امنیت بیشتری برای دنبال کردن پروژه‌ها، مشاغل و آرمان‌های شخصی خود دارند، در حالی که همچنان در چارچوب سرمایه‌داری فعالیت می‌کنند که موفقیت فردی را ارج می‌نهد.

3. تضعیف جمع‌گرایی سنتی:

در نظریه‌ی مارکسیستی، جوامع اولیه (مانند فئودالیسم) دارای پیوندهای جمعی قوی بودند؛ به خانواده، روستا، یا صنف وابسته بودند. با ظهور سرمایه‌داری، این ساختارهای جمعی فروپاشیدند. جوامع اسکاندیناوی به ویژه در قرن بیستم شاهد مدرنیزاسیون و شهرنشینی سریع بودند که بسیاری از ساختارهای جمعی قدیمی را شکست و مردم را تشویق کرد خود را به عنوان عاملان مستقل ببینند، نه بخشی از اجتماعات سنتی.

4. روبنای ایدئولوژیک:

مارکسیست‌ها معتقدند ایده‌های غالب در یک جامعه «روبنای» بازتابی از نیازهای زیربنای اقتصادی آن جامعه هستند. اگر سرمایه‌داری به کارگران متحرک، انعطاف‌پذیر و مستقل نیاز داشته باشد، آنگاه ایدئولوژی‌هایی مانند آزادی شخصی، خودبینانگری و خودمختاری رواج می‌یابند. کشورهای اسکاندیناوی به عنوان اقتصادهای سرمایه‌داری پیشرفته، طبیعتاً ایدئولوژی‌های فردگرایانه‌ی قوی تولید کرده‌اند.

5. امنیت مادی بالا:

شبکه‌های تأمین اجتماعی قوی در کشورهای اسکاندیناوی (آموزش رایگان، مراقبت‌های بهداشتی رایگان، بازنشستگی و غیره) وابستگی فرد به خانواده یا اجتماع گسترده‌تر را کاهش داده‌اند. از دیدگاه مارکسیستی، این یک سازگاری سرمایه‌داری است: با فراهم کردن امنیت مادی بالا، دولت به جلوگیری از تضاد طبقاتی کمک می‌کند. اما نتیجه‌ی ناخواسته این است که مردم احساس آزادی بیشتری برای داشتن زندگی‌های بسیار فردی پیدا می‌کنند — دنبال کردن خود شکوفایی، مشاغل خلاقانه و غیره — بدون این که نیاز فوری به راهکارهای جمعی برای بقا داشته باشند.

از دیدگاه مارکسیسم-لنینیسم:

مارکسیست-لنینیست‌ها معمولاً دولت رفاه را نه به عنوان گامی به سوی سوسیالیسم، بلکه به عنوان ابزاری برای تثبیت سرمایه‌داری می‌بینند. در این دیدگاه، فردگرایی در کشورهای اسکاندیناوی نتیجه‌ی این است که دولت‌های سرمایه‌داری با گسترش خدمات اجتماعی، توانسته‌اند مبارزه‌ی طبقاتی را تضعیف کنند و طبقه‌ی کارگر را «خنثی» سازند. از این منظر، رفاه اجتماعی به افراد این توهم را می‌دهد که «آزاد» و «مستقل» هستند، در حالی که همچنان در ساختارهای سرمایه‌داری گرفتارند. بنابراین، فردگرایی نه تنها نشانه‌ی پیشرفت اجتماعی نیست، بلکه نشانه‌ی موفقیت سرمایه‌داری در منحرف کردن آگاهی طبقاتی محسوب می‌شود.

از دیدگاه مارکسیسم غربی (مثل هربرت مارکوزه، آنتونیو گرامشی):

مارکسیست‌های غربی تأکید بیشتری بر ایدئولوژی، فرهنگ و آگاهی دارند. آن‌ها می‌گویند که سرمایه‌داری مدرن نه فقط از طریق زور اقتصادی بلکه از طریق تولید ایدئولوژی‌هایی مانند فردگرایی، مصرف‌گرایی و آزادی شخصی بر مردم سلطه پیدا کرده است.

در مورد کشورهای اسکاندیناوی، مارکسیست‌های غربی می‌گویند که نظام رفاه اجتماعی و دموکراسی‌های لیبرال، نوعی هژمونی فرهنگی ایجاد کرده‌اند که در آن مردم «داوطلبانه» فردگرا می‌شوند و ساختارهای واقعی قدرت اقتصادی را نمی‌بینند. از دید آن‌ها، فردگرایی در این کشورها بیشتر ناشی از فرآیندهای فرهنگی و ایدئولوژیک است تا فقط تحولات اقتصادی.

اما امروزه نظریه و مدل دولت رفاه در بسیاری از کشورها با چالش‌های جدی مواجه است و از دیدگاه تحلیلگران به‌ویژه از نگاه چپ رادیکال یا مارکسیستی، دولت رفاه در حال افول یا بازتعریف جدی است.

1. با پیشروی نئولیبرالیسم از دهه ۱۹۸۰ به بعد و با ظهور تاجر در بریتانیا و ریگان در آمریکا، گفتمان نئولیبرالی بر کاهش نقش دولت، خصوصی‌سازی، مقررات‌زدایی و ریاضت اقتصادی پررنگ گردید. این گفتمان به تدریج به اروپا و حتی کشورهای

دولت رفاه؛ سیستم رو به افول

وریا روشنفکر

اسکاندیناوی نیز نفوذ کرد. در نتیجه کاهش تدریجی خدمات دولتی، خصوصی سازی آموزش، درمان، بازنشستگی و افزایش شکاف طبقاتی شدت گرفت.

۲. فشار مالی ناشی از جهانی سازی و رقابت بین المللی باعث شد که دولت ها از ترس فرار سرمایه و شرکت ها، مالیات ها را کاهش دهند. که منجر به کاهش درآمد دولت و کاهش سرمایه گذاری در خدمات اجتماعی.

۳. افزایش جمعیت سالمند و هزینه های مزمن، در بسیاری از کشور ها، جمعیت رو به پیری است و هزینه های بازنشستگی و درمان سرسام آور شده است در نتیجه بدون افزایش درآمدهای مالیاتی، این مدل رفاهی پایدار نمی ماند.

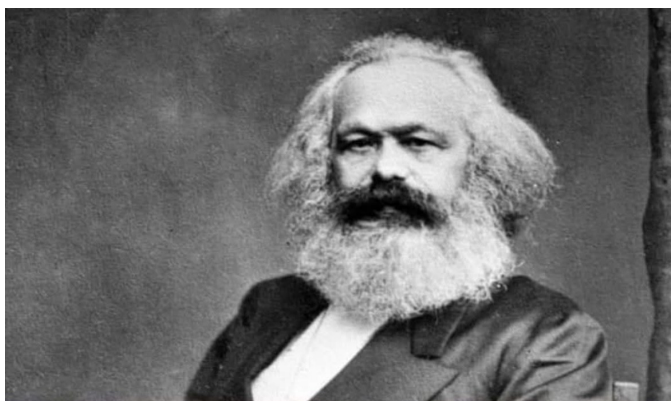
۴. تغییر گفتمان سیاسی در سال های اخیر، حتی احزاب سوسیال دموکرات بسیاری از اصول دولت رفاه را کنار گذاشته اند و به اقتصاد بازار آزاد نزدیک شده اند (مثلاً حزب کارگر بریتانیا در دوره تونی بلر یا سوسیال دموکرات های آلمان).

۵. رشد نابرابری و بی اعتمادی عمومی؛ برخلاف وعده های دولت رفاه، نابرابری اقتصادی در حال افزایش است. این مسأله باعث شده که مردم دچار بی اعتمادی به دولت و نهادهای رسمی شوند.

از دیدگاه "مارکسیسم انقلابی"، این روند افول طبیعی است، چون دولت رفاه محصول یک سازش موقت در شرایط خاص تاریخی بود. اما سرمایه داری ذاتاً نمی تواند در درازمدت رفاه عمومی را تضمین کند. با عمیق تر شدن بحران ها، نظام سرمایه داری ناگزیر دستاوردهای رفاهی را پس می گیرد.

قبلاً اشاره شد، دولت های رفاه، هر چند چهره ای نرم تر از سرمایه داری به نمایش می گذارند، اما در بطن خود، همان ساختار کهنه ای استثمار و سلطه طبقاتی را حفظ کرده اند. به روایت مارکس و انگلس، تاریخ جوامع انسانی چیزی جز تاریخ مبارزه ی طبقات نبوده است. رفورم های اجتماعی، بصورت مقطعی تضادهای طبقاتی را آرام می کنند. تنها با نابودی کامل مناسبات سرمایه دارانه و برپایی نظامی نوین بر بنیاد مالکیت جمعی و اداره ی شورایی، می توان به رهایی واقعی انسان دست یافت. آزادی طبقه کارگر از استثمار کارمزدی، نه از مسیر وعده های اصلاح طلبانه، بلکه از دل انقلاب اجتماعی که خود نقش تعیین کننده ای در به ثمر رساندن آن دارد ممکن و عملی است.

مه ۲۰۲۵



ضرورت انقلاب نه فقط از این روست که طبقه ی حاکم را با هیچ وسیله ی دیگری جز انقلاب نمی توان سرنگون کرد، بلکه همچنین از این رو، که طبقه ی سرنگون کننده تنها در یک انقلاب است که موفق می گردد تا گریبان خود را از تمام کثافات کهنسال نظام های قبلی رها کرده و قابلیت بنیان نهادن و ساختن جامعه ای نوین را کسب نماید.

یک دنیای بهتر

تغییر جهان و ایجاد دنیایی بهتر یک امید و آرمان همیشگی انسانها در طول تاریخ جامعه بشری بوده است. علیرغم رواج ایده های قدرگرایانه و خرافی اعم از مذهبی و غیر مذهبی حتی در دنیای باصطلاح مدرن امروز، ایده هایی که هریک به نحوی علاج ناپذیری و مقدر بودن وضع موجود را تبلیغ میکنند، زندگی واقعی و عمل روزمره توده های وسیع مردم همواره حاکی از یک امید و باور عمیق به امکان پذیری و حتی اجتناب ناپذیری یک آینده بهتر است. این امید که دنیای فردا میتواند از محرومیت ها و مشقات و کمبودها و زشتی های امروز رها باشد، این اعتقاد که عمل امروز انسان ها، چه جمعی و چه فردی، در تعیین چند و چون دنیای فردا موثر است، یک نگرش ریشه دار و قدرتمند در جامعه است که زندگی و حرکت توده های وسیع مردم را جهت میدهد.

کمونیسم کارگری قبل از هر چیز به اینجا تعلق دارد، به امید و اعتقاد انسان های بیشمار و نسل های پی در پی به اینکه ساختن یک آینده بهتر، یک جهان بهتر، بدست خود انسان، ضروری و میسر است.

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

کارگر، معلم بپاخیز، برای رفع تبعیض!

در مورد ایجاد سازمانهای کارگری

منصور حکمت



۶ - "این یک واقعیت است، و شما کمونیستها هم با آن موافقید، که کارگران به تشکیلات توده‌ای خود نیاز دارند. کارگران نمیتوانند دندان روی جگر بگذارند، شاهد کاهش روزمره دستمزدشان و افزایش فشار کار و محرومیت‌هایشان باشند و هیچ نگویند. و یک روز صبح ناگهان انقلاب کمونیستی کنند، حکومت کارگری بر سر کار بیاورند و همه آنچه را که شما کمونیستها در برنامه‌تان آورده‌اید عملی سازند. کارگران باید بطور روزمره برای بهبود اوضاع خودشان مبارزه کنند و این محتاج تشکیلات توده‌ای و صنفی کارگران است."

مقدمه: نوشته زیر در سال ۱۳۶۲ توسط منصور حکمت به رشته تحریر در آمده است. امروز بحث تشکل سراسری کارگری در میان طیفی از فعالین کارگری و سیاسی و انسانی‌های چپ و سوسیالیست راه افتاده است و همراه خود سر بحثهایی را در مورد تشکلهای توده‌ای طبقه کارگر باز کرده است. نوشته منصور حکمت در مورد ایجاد سازمانهای کارگری نکات ارزنده‌ای در مورد ساختن این سازمانها و رابطه آن با حاکمیت را از دیدگاه گرایش معینی در جنبش کارگری در بردارد، گرایشی که منفعت عمومی طبقه کارگر و افق انقلاب کارگری اساس تلاش او است. نوشته منصور حکمت را در این شماره کمونیست منتشر می‌کنیم. خواندن آنرا به همه فعالین و رهبران عملی کارگری و کمونیستها توصیه میکنیم:

۱ - نگاهی به خواستهایی که کارگران در طول چند سال گذشته، طی مبارزات خود مطرح کرده‌اند، نکته مهم، و یا در واقع نقطه ضعف و اشتباه مهمی را در کار کارگران پیشرو برجسته میکند. میگوییم کارگران پیشرو، زیرا این دسته از کارگران نقش مهمی در شکل دادن به خواستها و شعارهای مبارزات جاری کارگری دارند و بدون شک در صورتی که این رفقا از یک خط اصولی و حساب شده پیروی کنند، جنبش کارگری گامهای بلندی به جلو بر میدارد.

۲ - اما این اشتباه چیست؟ دیده‌ایم که در میان خواستههای کارگران از دولت و کارفرما، یعنی در میان خواسته‌هایی نظیر کاهش ساعت کار، اضافه دستمزد، تعطیلی پنجشنبه‌ها، سود ویژه، اخراج مدیران حزب الهی و غیره، گاه و بیگاه خواست تشکیل شورا و سندیکا هم مطرح میشود. یعنی کارگران در مواردی از دولت و وزارت کار میخواهند که برای آنها شورا و سندیکا ایجاد کنند، و یا در موارد دیگری، کارگران از وزارت کار میخواهند که نماینده بفرستد تا بر "قانونی بودن" جریان انتخابات شورا و سندیکای آنها نظارت کند.

۳ - ما کمونیستها با اینگونه درخواست شورا و سندیکا از دولت مخالفیم. هیچ بخشی از طبقه کارگر به اندازه کمونیستها مدافع این نیست که کارگران سازمانها و تشکلهای علنی و توده‌ای خود را بوجود آورند. این لازمه پیشروی طبقه کارگر است. اما ما با این مخالفیم که کارگران تشکیل این تشکلهای، تشکیل شوراهای و سندیکاهای را از دولت و وزارت کار سرمایه‌داران درخواست کنند. ما با این مخالفیم که کارگران از دولت و سرمایه‌داران بخواهند که آنها را متشکل کنند و در اتحادیه‌ها و شوراهای سازمان دهند. ما با این مخالفیم که کارگران با دست خود دولت را بر امر کارگران حاکم کنند و از او بخواهند که بر انتخابات کارگری "نظارت" کند و قاضی "صلاحیت" نمایندگان کارگران بشود.

۴ - ما میگوییم تشکیل شورا و سندیکا امر خود کارگران است و محتاج اجازه قبلی دولت و نظارت نماینده و یا بازرس موجب بگير وزارت کار نیست. ۵- اما هر سندیکالیست اصلاح طلب و استخوان خرد کرده‌ای که عمری به دنبال حقوق صنفی کارگران دویده باشد قطعا به این حرف ما اعتراض خواهد کرد. او خواهد گفت:

۷ - بله، تا اینجا بحث ما کمونیستها هم موافقیم... و نه فقط این، بلکه میگوییم تشکلهای توده‌ای کارگران تنها ابزاری برای بهبود اوضاع آنها نیست، بلکه همچنین میتواند زمینه‌ای برای بهتر و سریعتر متشکل شدن کارگران تحت سیاست انقلابی طبقه کارگر، یعنی سیاست کمونیستی باشد. ما کمونیستها نه فقط اصلاحات، بلکه حتی انقلاب کارگری را بدون تشکلهای توده‌ای گوناگون کارگران، یعنی بدون تشکلهایی که میلیونها کارگر را در خود جای بدهد عملی نمیدانیم.

۸ - اما دوست سندیکالیست ما از اینجا نتیجه میگیرد که:

۹ - "خوب اگر قرار است که تشکیلات توده‌ای کارگران، مثلا سندیکا دنبال خواستههای کارگران را بگیرد، باید با دولت و کارفرما طرف شود. دولت و کارفرما حاضر نمیشوند با تشکیلاتی که رسمیت قانونی نداشته باشد، صحبت کنند. بنابراین ما باید خودمان با زبان خوش از آنها دعوت کنیم که خودشان در تشکیل شوراهای و سندیکاهای ما شرکت کنند. اجازه تشکیل آن را به کارگران بدهند و نماینده بفرستند و بر انتخابات آن نظارت کنند، تا بعد نتوانند باصطلاح دبه دربیاورند و از مذاکره با نمایندگان سندیکا شانه خالی کنند..."

۱۰ - اتفاقا ما با همین نتیجه‌گیری مخالفیم. به این میگویند نتیجه‌گیری غلط از مقدمه چینی درست. به این میگویند دوستی خاله خرسه در حق کارگران. چرا؟ برای اینکه:

۱۱ - اولاً، باید توجه کنید که هر اصلاحات و هر بهبودی، هر چند جزئی، در زندگی کارگران در جامعه سرمایه‌داری، نتیجه جنبی و فرعی مبارزه انقلابی آنهاست. اگر میخواهید دولت را به مذاکره با کارگران بکشانید، باید قدرت مستقل کارگران را در مقابل دولت و سرمایه‌داران علم کنید. هیچ دولتی، هر قدر هم که عوامفریب باشد، علاقه‌ای به مذاکره با کارگران حرف گوش کن و قانون طلبی که از پیش معلوم باشد دست به اعتصاب و تحصن و تظاهرات و عمل مستقیم نمیزنند، نخواهد داشت. خود شما چند بار شاهد بوده‌اید که دولت در مقابل کارگران شانه بالا انداخته و حتی دست به تهدید و رجزخوانی زده. اما هنگامیکه نیروی مستقل متمرکز و مصمم کارگران را در برابر خود دیده است، وقتی با تهدید و اعتصاب سراسری روبرو شده است، خود با سر دویده و حاضر به مذاکره با نمایندگان واقعی کارگران شده است. از طریق جلب رضایت دولت و کارفرما نمیتوان با آنها مبارزه کرد. کارگران باید قدرت خود را به آنها تحمیل کنند.

در مورد ایجاد سازمانهای کارگری

منصور حکمت

۱۲ - در مورد تشکیل و رسمیت یافتن شورا و سندیکا هم همین قانون اساسی مبارزه طبقاتی حکمفرماست: اصلاحات نتیجه جنبی مبارزه انقلابی است و هر اصلاح و بهبود جزئی را نیز باید به نیروی همبستگی و رزمندگی طبقه کارگر به طبقه سرمایه‌دار و دولت او تحمیل کرد. شورا و سندیکا ابزاری برای مبارزه کارگران در جهت کسب حقوق آنهاست. حقوقی که سرمایه‌داران آن را غصب کرده‌اند و به زبان خوش پس نمیده‌ند. از طریق جلب رضایت دولت و سرمایه‌دار نمیتوان ابزار مبارزه علیه آنها را بوجود آورد. هیچ دولت بورژوازی برای کارگران شورا و سندیکای واقعی تشکیل نمیدهد و راه انتخاب شدن نمایندگان واقعی و انقلابی کارگران را باز نمیگذارد. ما باید تشکلهای توده‌ای و نمایندگان واقعی خود را به دولت تحمیل کنیم. ما باید به نیروی همبستگی و اتحاد خود کارگران دولت و کارفرما را ناگزیر کنیم که شورا و سندیکای ما را به رسمیت بشناسند. این تنها نیروی خود ما، نیروی مبارزه متحدانه ماست که به تشکلهای ما رسمیت میبخشد و نمایندگان ما را صاحب "صلاحیت" میکند.

۱۳ - از این گذشته کسی که به خاطر بهبود اوضاع کارگران، با دست خود پای دولت را در امر طبقه کارگر به میان میکشد، حداکثر دوست نادان کارگران است. او منافع طبقاتی، پایه‌ای و سراسری کارگران را به منافع آبی و جزئی، که آنها هم معلوم نیست از راه مسالمت جویانه تا چه حد قابل دستیابی باشد، میفروشد. تمام مبارزه کارگران بر علیه سرمایه‌داران، مبارزه‌ای بر سر کوتاه کردن دست سرمایه و سرمایه‌داران از حیات اقتصادی و سیاسی کارگران است. مبارزه‌ای که تا ساقط کردن کل حاکمیت طبقاتی سرمایه‌داران بر جامعه باید ادامه یابد. مبارزه‌ای که باید به تشکیل حکومت کارگری منجر شود. اما این دوستان کوتاه‌بین که فقط در فکر "قانونی کردن" شورا و سندیکا هستند، استقلال کارگران را به یک سندیکای اصلاح طلب و مورد اعتماد دولت و سرمایه‌داران میفروشند. وگرنه هیچ کارگر آینده‌نگر و آگاهی برای اینکه دولت فردا حاضر باشد بر سر چند درصد اضافه دستمزد با نمایندگان سندیکا صحبت کند و آنها را به رسمیت بشناسد، خودش امروز با دست خود پای دولت را به امور کارگران باز نمیکند و از دولت دعوت نمیکند که بیاورد و کارگران را مطابق میل خود سازمان بدهد و یا هر نماینده بی‌آزار و سر به زیر و یا حتی سازشکاری را که میخواهد از صندوق درآورد. با چنین شیوه‌ای، یعنی با مطالبه شورا و سندیکا از دولت و وزارت کار، هیچ چیز بجز سندیکای زرد طرفدار دولت و شورای اسلامی مجیزگوی جمهوری اسلامی نصیب کارگران نخواهد شد.

۱۴ - اگر میخواهیم شورا و سندیکای واقعی داشته باشیم و دولت را ناگزیر کنیم که شورا و سندیکای ما را به رسمیت بشناسند، راهش این است که خودمان رأسا دست بکار ایجاد شورا و سندیکا بشویم و به دولت و کارفرما و وزارت کار هم بفهمانیم که کارگران متحد، کارگران همبسته، توده‌های کارگران کارخانه، این شورا و سندیکا را شورا و سندیکای خودشان میدانند، یکپارچه از آن حمایت میکنند و اجازه نمیدهند مویی از سر نمایندگان و رهبران آن کم شود. اینجا هم

این نیروی اتحاد و همبستگی خودکارگران است که میتواند دولت را به تسلیم وادارد.

۱۵ - نتیجه هر نوع دخالت دولت در تشکیل شوراها و سندیکاها از پیش معلوم است. مگر بارها ندیده‌ایم و تجربه نکرده‌ایم که به نام شورا، جاسوسان حزب الهی را به ما تحمیل کرده‌اند؟ مگر ندیده‌ایم و تجربه نکرده‌ایم که نمایندگان واقعی ما را نپذیرفته‌اند و یا حتی دستگیر و اخراج کرده‌اند؟ مگر ندیده‌ایم که حضرات وزارت کار همواره "صلاحیت" کارگران کمونیست و انقلابی را رد کرده‌اند و جلوی انتخاب شدن آنها را با هزار تقلب و دوز و کلک گرفته‌اند؟ آیا قرار است وضع به همین ترتیب بماند و این تجارب تکرار شود؟

۱۶ - ممکن است کسی بگوید "این کار، یعنی دعوت دولت به دخالت در تشکیل تشکلهای کارگری از روی ناچاری است. آخر دولت در مقابل کارگران دست بالا دارد". البته بدون شک این هم یک عامل مؤثر در طرح این مطالبه نادرست است. اما ذهنیت "قانون طلب" و سندیکالستی بخشی از کارگران نیز نقش مهمی در این مساله دارد. کافی است تجربه کارگران چاپ تهران را بیاد بیاوریم. رفقای کارگر چاپ تهران پس از قیام، یعنی وقتی که کارگران کاملاً دست بالا را داشتند، تصمیم گرفتند سندیکای دوران شاه را منحل کنند و سندیکای جدید تشکیل بدهند. نمایندگان سندیکای قبلی مدعی شدند که مدت "قانونی" نمایندگی آنها تمام نشده و تا مرجع قانونی نباشد که دفاتر و اموال و پول سندیکا را تحویل بگیرد، و تا هیات مدیره جدید "قانوناً" مشخص نشده باشد، کنار نخواهند رفت. جالب است! در شرایطی که شاه و قوانین و کل دستگاه قانون گذاریش از دست کارگران مسلح فراری بودند، نماینده سندیکای سلطنتی قانونی بودن خودش را به رخ میکشد! اما جالب‌تر و مایه تاسف این است که کارگران پیشرو چاپ هم به این استدلال تسلیم شدند. آنها سه ماه هر روز جلسه کردند تا تدارک انتخابات ببینند، در روزنامه‌ها اطلاعیه انتخابات چاپ کردند و از وزارت کار جمهوری اسلامی دعوت کردند که در انتخابات شرکت کند و بر آن نظارت کند. حضرات نمایندگان "قانونی" هم در روز انتخابات مدعی شدند که خود آنها باید بر انتخابات نظارت کنند، زیرا مطابق "قانون" انتخابات را هیات مدیره سابق برگزار میکند. نتیجه چه شد؟ هیچ، آنها حرف خود را پیش بردند و مجدداً هر سه نفرشان دوباره از صندوق رای سر درآوردند. کارگرانی که مسلحانه قیام کرده بودند در برابر توهانات قانون طلبانه خود و تلاش خود برای راضی نگه داشتن وزارت کار زانو زدند و عقب نشستند. از اینگونه تجارب باید درس گرفت!

۱۷ - ما کمونیستها خواهان استقلال طبقه کارگر در مبارزه‌ایم. ما کمونیست‌ها خواهان آنیم که طبقه کارگر با اتکاء به خود و نیروی مستقل خود برای دست یافتن به خواسته‌های طبقاتی‌اش متشکل شود و مبارزه کند.

۱۸ - ما کمونیستها می‌گوئیم، کارگران! تشکیل شورا و سندیکا کار خود شماست و نیازی به اجازه دولت و کارفرما و نظارت وزارت کار ندارد.

۱۹ - ما می‌گوئیم، اگر همبسته و متحد از تشکیلات خود دفاع کنید، اگر خودتان اول تشکل خود، شورای خود و سندیکای خود را ایجاد کنید و به رسمیت بشناسید و در آن چون تن واحد عمل کنید، آنگاه و تنها آنگاه خواهید توانست رسمیت آن را به دولت، به هر دولتی، تحمیل کنید.

۲۰ - ما می‌گوئیم، شورا و سندیکایی که دولت برای شما تشکیل دهد، حتی اگر راضی به این کار شود، شورا و سندیکای کارگری

در مورد ایجاد سازمانهای کارگری

منصور حکمت

آزادی، برابری، رفاه

از یک دنیای بهتر

تصویر همه از یک زندگی مطلوب و یک دنیای ایده آل بیشک یکی نیست. اما با اینهمه مقولات و مفاهیم معینی در طول تاریخ چند هزار ساله جامعه بشری دائماً بعنوان شاخص های سعادت انسان و تعالی جامعه به طرق مختلف برجسته و تکرار شده اند، تا حدی که دیگر بعنوان مفاهیمی مقدس در فرهنگ سیاسی توده مردم در سراسر جهان جای گرفته اند. آزادی، برابری، عدالت و رفاه در صدر این شاخص ها قرار دارند.

دقیقا همین ایده آله بنیادهای معنوی کمونیسم کارگری را تشکیل میدهند. کمونیسم کارگری جنبشی برای دگرگونی جهان و برپایی جامعه ای آزاد، برابر، انسانی و مرفه است.

نخواهد بود. یک خیمه شب بازی سندیکایی خواهد بود که عروسکهای آن را به شکل کارگران ساخته اند. شورای اسلامی و سندیکای زرد دولتی نتیجه چنین روشی است.

۲۱ - ما میگوئیم، کارگران باید فوراً و کاملاً مستقل از دولت دست بکار تشکیل شوراهای واقعی خود شوند. مجمع عمومی کارخانه خود را تشکیل دهند، جلسات آن را منظم کنند و آن را به عنوان عالیترین ارگان تصمیمگیری کارگران به رسمیت بشناسند و در مقابل دولت و کارفرما و وزارت کار قرار دهند. مجمع عمومی رسمی و منظم اولین رکن شورای واقعی است.

۲۲ - ما میگوئیم، کارگران باید همبسته و متحد اعلام کنند که دولت به هیچ وجه حق ندارد در تشکیل شوراهای سندیکاهای کارگران دخالت کند. دولت باید هر نماینده و هر تشکلی را که کارگران به اراده خود انتخاب و ایجاد کرده اند به رسمیت بشناسد.

۲۳ - ما کمونیستها میگوئیم طبقه کارگر تنها به نیروی خود آزاد میشود. کارگران باید در تشکلهای مستقل خود و در راس همه در حزب سیاسی خود، در حزب کمونیست، متحد و متشکل شوند و مبارزه انقلابی خود را برای برچیدن کل نظام سرمایه داری شدت بخشند. هر اصلاح جزئی و هر بهبود کوچک در اوضاع کارگران نتیجه جانبی این مبارزه انقلابی خواهد بود. کارگران هر گاه از مبارزه انقلابی دست بکشند، از اصلاحات و بهبود نسبی اوضاع هم بی نصیب خواهند ماند.

۲۴ - کارگران! تشکیل شوراهای تشکلهای کارگری امر خود شماسست. اینها را از دولت تقاضا نکنید و منتظر اجازه و نظارت دولت نشوید. بر عکس، اعلام کنید که دولت حق هیچگونه دخالتی در این امر ندارد و باید تشکلهای توده ای کارگران را بی هیچ قید و شرط به رسمیت بشناسد.

۲۵ - مبارزه مستقل و اتکاء به نیروی توده های کارگر تنها راه پیروزی است.

منصور حکمت



فعال کارگری و کمونیست محبوب
مظفر صالح نیا

کمونیست و رهبر سرشناس
حسین مرادی بیگی (حمه سور)

شنبه ۳۱ مه ساعت ۱۵-۱۹

ARSTA FOLKETS HUS
STOCKHOLM, ARSTA TORG 5, 120 54, ARSTA

برگزار میشود. در کنار هم یاد دو شخصیت برجسته جنبش کمونیستی و کارگری، پرچمداران آزادی و برابری و سوسیالیسم را گرامی میداریم. ما آزادیخواهان و برابری طلبان و دوستداران این عزیزان را به شرکت در این مراسم دعوت می کنیم.

برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۰۷۶۷۰۶۰۴۶۱ تماس بگیرید.

الهام صالح نیا

منصور حکمت را بخوانید

و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

www.hekmat.com

اعدام قتل عمد دولتی است!



پس از سخنرانی‌های اصلی، برنامه فرهنگی کردی همراه با رقص برگزار شد و در ادامه، نمایندگان احزاب و سازمان‌ها سخنرانی کردند.

از میان سازمان‌های فراخوان‌دهنده، امیر عسگری، دبیر تشکیلات آلمان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست، سخنرانی کرد.

همچنین اسکندر (سوران) لطفی، سخنگوی پیشین شورای هماهنگی تشکیلاتی صنفی فرهنگیان ایران، به عنوان یکی از مدعوین مراسم امسال در بخش احزاب و سازمان‌ها سخنرانی داشت.

امیر عسگری در سخنان خود به جنگ، کشتار و هزینه‌های میلیتاریسم که از جیب طبقه کارگر پرداخت می‌شود، پرداخت و به رشد نژادپرستی و معرفی پناهجویان به عنوان مقصر بحران‌های اقتصادی به شدت اعتراض کرد. او نظام سرمایه‌داری حاکم را عامل اصلی این وضعیت دانست.

وی همچنین ضمن محکوم کردن جمهوری اسلامی به عنوان عامل اصلی کشتار کارگران بندرعباس، هرگونه مفاشات با این رژیم را محکوم کرد و بر لزوم همبستگی بین‌المللی با مبارزات سوسیالیستی طبقه کارگر در ایران تأکید نمود. او تنها راه رهایی را انقلاب سوسیالیستی به دست خود طبقه کارگر دانست و هرگونه توهم به امپریالیسم را مردود اعلام کرد.

اسکندر لطفی نیز در سخنرانی خود به بررسی ویژگی‌ها و ابعاد سیاسی خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ پرداخت و در پایان، ضمن گرامی‌داشت روز جهانی کارگر، همبستگی خود را با طبقه کارگر و زحمتکشان اعلام کرد.

مراسم با اجرای زنده موسیقی توسط یک گروه راک محلی ادامه پیدا کرد و به پایان رسید.

۸ مه ۲۰۲۵

متن سخنرانی امیر عسگری دبیر تشکیلات آلمان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست در مراسم اول مه سرخ شهر زیگن



رفقا و دوستان عزیز،

در شرایطی که سر میبریم که شاهد کشتارها و جنگ‌های مختلف در جهان هستیم و دول سرمایه داری هزینه جنگ و میلیتاریسم را از جیب طبقه کارگر تامین میکنند. همین دول سرمایه داری به بهانه جنگ تورم چند برابری بر طبقه کارگر تحمیل کردند و با بهانه های پوپولیستی و دروغین و رشد سیاستهای نژادپرستانه عامل این فلاکت

صفحه ۱۲

گزارشی از سازماندهی اول ماه مه در شهر زیگن

امیر عسگری

اتلاش‌های چندساله و اقدامات مستمر در راستای همبستگی و همکاری با نیروهای چپ و کمونیست بین‌المللی، از سال ۲۰۲۰ تاکنون عضوی از جمع سازمان‌دهندگان مراسم «اول مه سرخ» در شهر زیگن آلمان بوده‌ایم. این مراسم، که از اوایل دهه ۹۰ میلادی پس از اتحاد آلمان شرقی و غربی توسط نیروهای چپ و کمونیست منطقه و ستفالن جنوبی پایه‌گذاری شده است، برخلاف اغلب شهرهای آلمان که مراسم اول ماه مه در آن‌ها زیر نظر اتحادیه DGB برگزار می‌شود، به عنوان جایگزینی سوسیالیستی و رادیکال علیه سرمایه‌داری با محوریت سخنرانی‌ها و موسیقی‌های اعتراضی برگزار می‌شود.

حزب حکمتیست نیز مانند سال گذشته، یکی از سازمان‌دهندگان این مراسم در کنار احزابی نظیر MLPD، DKP و DIE LINKE بود. سازماندهی این برنامه حاصل بیش از هشت ماه کار مداوم، هماهنگی و بحث میان نیروهای مختلف چپ، کمونیست و سندیکاهای کارگری است.

برای مراسم امسال و با توجه به شرایط سیاسی حساس در سطح بین‌المللی و داخلی آلمان، دو سخنران اصلی انتخاب شدند: اوزلم دمیرل، نماینده پارلمان اروپا از حزب چپ آلمان و از مخالفان رادیکال دولت، و هورشت اشمیتتر، از اعضای پیشین هیئت‌مدیره اتحادیه فلزکاران آلمان (IG Metall).

در میان سخنرانی‌های کوتاه جریانات مختلف، که حزب حکمتیست نیز در آن نماینده‌ای داشت، پیشنهاد حضور یکی از اعضای شورای هماهنگی تشکیلاتی صنفی فرهنگیان ایران برای سخنرانی مطرح شد و با حمایت اکثریت تصویب گردید. بر این اساس، سوران لطفی، سخنگوی پیشین این نهاد مستقل، برای سخنرانی در روز مراسم انتخاب شد.

با وجود برخی چالش‌ها، اما به یمن همکاری میان نیروهای چپ و کمونیست منطقه، مراسم «اول مه سرخ» امسال با حداقل مشکل برگزار شد.

این مراسم با راهپیمایی از مقابل Jobcenter آغاز شد؛ راهپیمایی با شعارهای ضدفاشیستی، ضدسرمایه‌داری و ضدجنگ به سمت میدان Kornmarkt ادامه یافت و با سرود «انترناسیونال» به پایان رسید.

برنامه سیاسی با سخنرانی اوزلم دمیرل و هورشت اشمیتتر آغاز شد.

دمیرل به موضوعاتی چون فقر، نابرابری، رشد فاشیسم، جنگ و نسل‌کشی در غزه پرداخت و از صرف میلیاردها یورو برای جنگ در اوکراین و خاورمیانه در برابر حمله دولت آلمان به مهاجران و پناهجویان به شدت انتقاد کرد.

اشمیتتر نیز به فقر، تورم، سیاست‌های مخرب سرمایه‌داری، بیکار شدن هزاران کارگر، کمک‌های میلیاردها به صنایع نظامی و رشد نژادپرستی علیه مهاجران پرداخت.



گزارشی از سازماندهی اول ماه مه در شهرزیگن

امیر عسگری

اقتصادی را خارجی ها و پناهجویان معرفی میکنند. در حالی که همین پناهندگان و پناهجویان در آلمان هستند که عامل تولید سرمایه همواره بوده و هستند.

بنابراین آدرس دقیق مشکلات طبقاتی و فقر و بیکاری را با صدای بلند بگویم؛ سیستم و حکومت سرمایه داری هار حاکم

ما با صدای بلند و رسا باید بگوییم؛ نه به راسیسم، نه به ریاضت اقتصادی و نه به میلیتاریسم.

من از اروپا، جایی که در آن زندگی می‌کنم، با شما سخن می‌گویم – اما ما، طبقه کارگر سراسر جهان، باید متحد باشیم. من اهل ایران هستم. در آنجا هم طبقه ای های ما تحت سرکوب شدید رژیم اسلامی و جنایتکار قرار دارد – رژیمی مسئول قتل عام کارگران در بندر عباس همین شنبه گذشته است. رژیمی که احکام اعدام برای فعالان آزادی‌خواهی چون شریفه محمدی، وریشه مرادی و پخشان عزیزی صادر کرده است.

دولت‌های اروپایی برای منافع سیاسی و اقتصادی خود به‌دنبال همکاری و ممانعت با جمهوری اسلامی هستند. رژیمی که در جریان خیزش انقلابی سال ۲۰۲۲ پس از قتل ژینا (مهسا) امینی صدها تن را به قتل رساند، نابینا و شکنجه کرد و بسیاری از آن مبارزان شجاع اکنون با حکم اعدام مواجه‌اند.

رژیمی است مبتنی بر اعدام، ترور سیاسی و خشونت سازمان‌یافته علیه طبقه کارگر.

ما قاطعانه با هر نوع تحریم اقتصادی که مستقیماً بر زیست طبقه کارگر تأثیر می‌گذارد، مخالفیم. اما با صدای بلند و روشن می‌گوییم: نه به ممانعت با حکومت اسلامی در ایران!

ما هیچ توهمی نسبت به دولت‌های سرمایه‌داری غربی یا امپریالیسم نداریم. تنها از راه مبارزه خود طبقه کارگر و سرنگونی حکومت اسلامی در ایران از طریق یک انقلاب سوسیالیستی است که آزادی و برابری ممکن خواهد شد.

از این‌رو ما همه نیروهای آزادی‌خواه و سوسیالیست در آلمان و سراسر جهان را فرا می‌خوانیم تا به همبستگی بین‌المللی بپیوندند.

مرگ بر حکومت اسلامی ایران!

زنده باد اول ماه مه – روز جهانی مبارزه طبقه کارگر!

زنده باد همبستگی بین‌المللی!



راههای ارتباط با حزب حکمتیست

برای ارسال خبر، فیلم و گزارش و تماس با حزب حکمتیست از طریق واتساپ و تلگرام و تماس مستقیم با این شمارهها تماس بگیرید.

صالح سرداری ۰۰۴۹۱۷۶۶۳۴۶۱۹۴۲
پروین کابلی ۰۰۴۶۷۰۷۷۴۴۰۲۰
رحمان حسین زاده ۰۰۴۶۷۳۹۲۲۵۹۶۹
ملکه عزتی ۰۰۴۷۴۱۲۶۰۴۹۷

www.hekmatist.org

Worker-Communist Party of Iran - Hekmatist



گزارشاتی از مراسمهای اول مه روز جهانی کارگر

زنان زندان اوین، فعالین زن در سندج، کارگران ساختمانی مریوان

گزارشی از مراسم روز جهانی کارگر در زندان زنان اوین

زنان محبوس در زندان اوین در سال جاری، مراسم روز جهانی کارگر را با برنامه‌ای شامل سخنرانی‌ها، فعالیت‌های فرهنگی و ارائه و گفت‌وگو برگزار کردند. این مراسم که با هدف بزرگداشت تاریخ مبارزات کارگران در جهان و بررسی چالش‌های اقتصادی-اجتماعی ایران و جهان ترتیب داده شد، در دو بخش اصلی اجرا گردید.

بخش اول: سخنرانی‌ها، تاریخچه‌نگاری و استراحت و پذیرایی

مراسم با اجرای گروه سرود آغاز شد. گروه سرود ترانه انگلیسی «نان و گل‌های سرخ» (Bread and Roses) را همخوانی و اجرا کردند.

این ترانه که در سال ۱۹۱۱ توسط جیمز اوپنهایم سروده شد، به نمادی جهانی از مبارزات کارگران برای دستمزد عادلانه (نان) و زندگی شرافتمندانه (گل‌های سرخ) و صلح تبدیل شده است.

نسرین خضری، فعال کارگری که در سال ۱۳۹۸ به اتهام حضور در مراسم روز کارگر به ۵ سال حبس محکوم شده، در ادامه تاریخچه روز ۱ می و علت نامگذاری آن به عنوان روز جهانی کارگر را تشریح کرد. او در انتها بر اتحاد کارگران به عنوان اتحادی جهانی تا رفع هرگونه استثمار، ستم و تبعیض تاکید کرد.

ایشان تاکنون نزدیک به سه سال بدون حتی یک روز مرخصی در زندان به سر می‌برد.

تحلیل وضعیت اقتصادی ایران:

دو نفر دیگر از زندانیان به تشریح بحران‌های اقتصادی ایران پرداختند. موضوعات مطرح شده شامل تورم افسارگسیخته، فساد سیستماتیک، وضعیت معیشتی نامناسب کارگران، بی‌ثباتی اقتصادی، استثمار نیروی کار و فقر گسترده بود.

تاریخچه اعتصابات کارگری توسط ناهید خداجو ارائه شد:

ناهید خداجو، فعال کارگری و زندانی سیاسی دهه ۶۰ که محکومیت خود را در زندان اوین به دلیل حضور در بزرگداشت ۹۸ سال سپری می‌کند، گاهشماری مفصل از اعتصابات کارگری از سال ۱۳۵۵ منتهی به انقلاب ۱۳۵۷ و نیز فراز و فرودهای دهه‌های بعدی آن ارائه داد. از جمله می‌توان به سرکوب شوراهای کارگری در دهه شصت، اجرای برنامه‌های اقتصادی سرمایه‌داری در ایران و تاثیر آن بر جنبش کارگری از دهه ۷۰ و ۸۰ به بعد و نیز شدت گرفتن جنبش‌های کارگری در سال‌های اخیر و متعاقباً سرکوب تشکلات کارگران و جلوگیری از هرگونه تحرک کارگری با ذکر مثال‌های تاریخی اشاره کرد.

استراحت و بازدید از اسناد تاریخی:

پس از پایان بخش اول، از زندانیان پذیرایی شد، برخی از زندانیان فرصت یافتند تا نگاهی به اسنادی تاریخی مکتوب از جمله خلاصه‌ای از

«گاهشمار اعتصابات و اعتراضات کارگری ایران از ۱۲۸۵ تا ۱۳۹۷» ببینند که به صورت کاغذ دیواری در دسترس قرار گرفته بود.

این اسناد ادوار مختلف اعتراضات کارگری و جزئیات رویدادهای کلیدی را دربرمیگرفت.

بخش دوم: فعالیت‌های فرهنگی و بحث‌های نظری

بخش دوم با اجرای پرشور رقص کوردی توسط گروهی از زندانیان آغاز شد. این رقص که با آهنگ کوردی همراه بود، حضار را به وجد آورد و با تشویق آنان همراه شد.

در ادامه یکی از زندانیان با تمرکز بر شکل‌گیری طبقات اجتماعی در تاریخ و ترسیم چشم‌اندازی از آینده خاورمیانه در رفع تبعیض، ستم و استثمار سخنرانی خود را ارائه داد.

همچنین در ادامه، ارائه‌ای جداگانه حول پرسش کارگر کیست؟ ضرورت اعتصابات کارگری در تاریخ برای احقاق مطالبات کارگران صورت گرفت و در نهایت به طور مختصر حول مفهوم تضاد به عنوان مفهومی کلیدی نه تنها در سطح روش‌شناسی بلکه به عنوان مفهومی هستی‌شناختی سخن رفت.

در پایان آیت‌اللهی معلم و مترجم به مفهوم بی‌ثباتی، معنا و پیامدهای بی‌ثباتی در کار و زندگی پرداخت. علاوه بر بی‌ثباتی همیشگی در جهان سرمایه‌داری در الگوهای نئولیبرالی و پسانئولیبرالی این مفهوم دچار خصلت مضاعف و مفهوم کار دچار بحران شدت و نیروی کار از درون منشق و منزوی شده است. از این رو نیازمند نگاهی نقادانه بر مفهوم کار در راستای اتحاد همه جانبه زحمتکشان هستیم.

بیانیه جمعی از فعالان حقوق زنان - سندج

به مناسبت روز جهانی کارگر - ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۴

امروز، در روز جهانی کارگر، ما جمعی از فعالان حقوق زنان در سندج، در کنار کارگران ایستاده‌ایم تا بر حق مسلم همه انسان‌ها برای زندگی شایسته، کار عادلانه و کرامت انسانی تأکید کنیم.

زنان کارگر، به‌ویژه در کردستان و سراسر ایران، با مشکلات مضاعفی مواجه‌اند: نابرابری در دستمزد، نبود امنیت شغلی، تبعیض‌های ساختاری، و در بسیاری موارد، کار بدون قرارداد و حمایت قانونی. با این حال، آنان همچنان در صف نخست مبارزه برای نان، آزادی و برابری ایستاده‌اند. ما باور داریم مبارزه برای حقوق کارگران، از مبارزه برای حقوق زنان جدا نیست.

گزارشاتی از مراسمهای اول مه روز جهانی کارگر

زنان زندان اوین، فعالین زن در سندج، کارگران ساختمانی مریوان

رسیدن به جامعه‌ای عادلانه، بدون رفع ستم‌های جنسیتی، اقتصادی و طبقاتی ممکن نخواهد بود.

در این روز نمادین، با صدای بلند اعلام می‌کنیم:

نه به استثمار نیروی کار

نه به تبعیض جنسیتی در محیط کار و جامعه

آری به حقوق برابر برای زنان و مردان در همه عرصه‌های زندگی

ما، در کنار کارگران، خواهان جامعه‌ای هستیم که در آن کرامت انسانی، آزادی، برابری و عدالت اجتماعی برای همه، بدون تبعیض، تحقق یابد.

جمعی از فعالان حقوق زنان - سندج

۱۱ اردیبهشت

برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در مریوان

طبق خبرهای دریافتی، روز پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت ماه، همزمان با روز جهانی کارگر در نقاط مختلف کشور، جمعی از فعالان کارگری در مریوان نیز با برگزاری تجمعی این روز را گرامی داشتند.

امسال نیز همانند سال‌های گذشته، روز جهانی کارگر توسط انجمن کارگران و استادکاران ساختمانی در میدان اصلی شهر مریوان برگزار شد. این مراسم با تیریک این روز و قرائت بیانیه روز کارگر آغاز شد. در ادامه شرکت کنندگان در مورد وضعیت حال حاضر کارگران به بحث و تبادل نظر پرداختند و مراسم با پخش گل و شیرینی در فضایی صمیمی به پایان رسید.

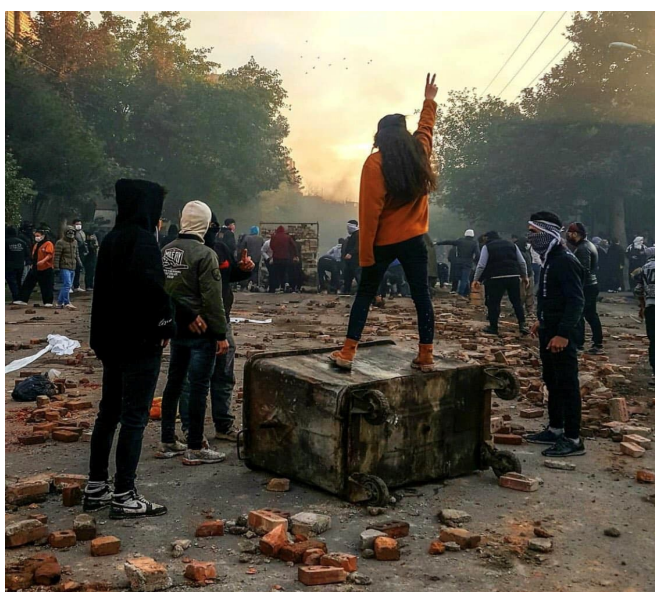


زندانیان شرکت کننده در شصت و هفتمین هفته متوالی کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" در ۴۱ زندان کشور در بخشی از بیانیه این هفته خود اعلام کرده اند:

حکومت اعدام و سرکوب در هفته‌ای که گذشت، ۲۹ زندانی را به دار آویخت و به این ترتیب از ابتدای سال تاکنون ۱۵۴ تن اعدام شده‌اند.

"کارزار" هشدار می‌دهد در موقعیت کنونی که حکومت ایران در بن‌بست‌های داخلی و بین‌المللی قرار گرفته، از اعدام به‌عنوان اصلی‌ترین عامل سرکوب استفاده می‌کند تا به این ترتیب مانع شکل‌گیری حرکت‌های اعتراضی و قیام مردم به ستوه آمده شود.

صدای کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" باشیم و با گسترش جنبش علیه اعدام، دست رژیم قتل و کشتار را از تنها ابزار بقای ننگینش کوتاه کنیم.



اخبار مبارزات کارگری و جنبشهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: حیات الماسی و اوین رضایی

تهران

تجمع کارگران ارکان ثالث مقابل وزارت نفت

روز ۱۷ اردیبهشت کارگران ارکان ثالث طبق فراخوان قبلی همراه خانواده ها مقابل وزارت نفت تجمع کردند. تعداد زیادی از همکاران مناطق مختلف عملیاتی در تجمع شرکت داشتند. یگان ویژه و نیروهای امنیتی پیرامون تجمع با فاصله حضور داشتند. اهم مطالبات همکارگران عبارتند از:

حذف پیمانکار و تبدیل وضعیت، همسانسازی حقوقها، اصلاح محاسبه مالیات، اجرای طرح طبقه بندی، پرداخت نفت کارت، استفاده از تسهیلات بانکی، استفاده از خدمات و امکانات رفاهی، ایجاد تعاونی مسکن، پرداخت بموقع حقوق

تجمع اعتراضی کارگران رسمی مناطق عملیاتی جنوب،

سکوی عملیاتی نصر منطقه سیری

روز سه شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴

کارگران در همبستگی با سایر کارگران معترض مناطق عملیاتی جنوب دست به تجمع اعتراضی زدند.

اهم خواسته های این همکاران عبارتند از:

- حذف تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی

- خارج نمودن فوق العاده های مخصوص مناطق عملیاتی از سقف حقوق

- حذف سقف حقوق بازنشستگی

- اصلاح کف حقوق و...

از اعتراضات کارگران در مناطق عملیاتی جنوب و اعتراضات سراسری نفت به هر شکل ممکن حمایت کنید..

تجمع اعتراضی کارگران رسمی شرکت نفت مقابل وزارت نفت در تهران

تجمع اعتراضی کارگران رسمی ورودیهای آزمون سال ۹۲ در نفت

روز چهاردهم اردیبهشت ۱۴۰۴ کارگران رسمی ورودیهای آزمون سال ۹۲ در نفت به دلیل بی پاسخ ماندن خواسته های خود بنا بر فراخوانی از قبل اعلام شده تجمع کردند. اهم مطالبات این همکاران عبارتند از: اصلاح و به روزسانی جدول پایه حقوق خود، اجرای صریح و کامل ماده ۱۰، اصلاح میانگین شایستگی و طرز کار و حذف شاخص های تفرقه آمیز، اجرای فوق العاده ترمیم حقوق و فوق

العاده خاص برای کارگران رسمی با توجه به زمان استخدام (سال ۹۲) که تعدیل مدرک میبایستی مدت زمان پیمانی طبق قانون ۹۲ باشد.

کارگرام مصمم به ادامه اعتراض تا رسیدن به خواسته هایشان هستند.

اخبار و گزارش های کارگری ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۴۰۴ (حاوی گزارش از ۲۵ تجمع اعتراضی)

- ادامه دوشنبه های اعتراضی کارگران شاغل و بازنشسته:

۱- دوشنبه اعتراضی کارگران صنعت نفت نسبت به تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی به تخصصی و پشتیبانی برای ایجاد تفرقه، تعیین سقف حقوق، اصلاح نشدن کف حقوق برای کارکنان جدید استخدام، ادغام صندوق بازنشستگی با سایر صندوق های بازنشستگی، تعیین سقف بازنشستگی و پرداخت نشدن کامل سنوات، اخذ مالیات غیر قانونی و عدم اجرای کامل ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت با تجمع کارگران رسمی شرکت نفت فلات قاره ایران منطقه عملیاتی لاوان با شعارهای «محدودیت پرداخت ملغی باید گردد» و «تفکیک ظالمانه ابطال باید گردد»

۲- دوشنبه اعتراضی کارگران بازنشسته مخابرات کشور نسبت به کاهش قدرت خرید، عدم پرداخت مطالبات و قطع خدمات بیمه تکمیلی درمان بابریایی تجمع و راهپیمایی، سردادن شعارها و برافراشتن پلاکاردها مقابل درساختمان مرکزی شرکت مخابرات استان های

آذربایجان شرقی (شهر تبریز)، اصفهان (شهر اصفهان)، ایلام (شهر ایلام)، چهارمحال و بختیاری (شهر شهرکرد)، خوزستان (شهر اهواز)، زنجان (شهر زنجان)، کردستان (شهرهای بیجار، سنندج و مریوان)، کرمانشاه (شهر کرمانشاه)، گیلان (شهر رشت)، مرکزی (شهراراک)، هرمزگان (شهر بندرعباس)، همدان (شهر همدان)، و تهران (شهر تهران مقابل ساختمان مرکزی شرکت مخابرات خیابان سردار جنگل

- تجمع اعتراضی دانش آموزان روستای مکینه صلیحویه شادگان نسبت به عدم وجود کولر و نالایم بودن سقف کلاس ها همزمان با سفر استاندار خوزستان به شادگان

- تجمع اعتراضی نخلداران شادگان نسبت به عدم تامین حق آبه همزمان با سفر استاندار خوزستان

- گزارشی از یورش وحشیانه نیروهای سرکوب دستگاه رهبری به کنشگران فرهنگی یزد

- یونس آزادبر بازداشت شد

- تجمع اعتراضی جمعی از اهالی شهرری نسبت به خاموشی های مکرر مقابل اداره برق

- تجمع اعتراضی جمعی از کسبه بازار آهن تهران نسبت به قطعی های مکرر برق

- تجمع اعتراضی جمعی از ساکنان آلارد رباط کریم نسبت به بی آبی مقابل فرمانداری

- تجمع اعتراضی اهالی محله کوجووار تبریز نسبت به آلودگی هوا ناشی از فعالیت پالایشگاه

اخبار مبارزات کارگری و جنبشهای

اعتراضی...

- تجمع اعتراضی نانوایان سقز نسبت به مشکلات شغلی و نرخ نان مقابل فرمانداری

- تجمع اعتراضی جمعی از مال باختگان خشمگین رضایت خودرو طراوت نوین و ریحان تاک ریحان تاک مقابل دادسرای عمومی و انقلاب قزوین و مسدود شدن اتوبان قزوین - کرج

- جان باختن یک کارگر کارخانه کک پزی کلاته رودبار دامغان در لای دستگاه

- جان باختن یک کارگر در مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه حین کار

تجمع کارگران رستورانهای خدمات رفاهی صنعت نفت و گاز گچساران

روز سهشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴، شماری از کارگران رستورانهای خدمات رفاهی صنعت نفت و گاز گچساران با تجمع مقابل فرمانداری این شهرستان، خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند.

تجمع اعتراضی نانوایان صفهان

روز سهشنبه ۱۶ اردیبهشت ماه، نانوایان اصفهان در اعتراض به عدم واریز یارانه نانوائیها و همچنین برای مطالبه افزایش نرخ نان، دست به تجمع زدند.

معترضان با سردادن شعار «مسئول بی کفایت، استعفا، استعفا، خواستار رسیدگی فوری مسئولان به وضعیت معیشتی خود شدند.

این نانوایان اعلام کرده اند که با افزایش چشمگیر هزینه های تولید نان، از جمله قیمت آرد، سوخت، دستمزد کارگران و سایر اقلام مصرفی، ادامه فعالیت برایشان ممکن نیست.

اجتماعات گسترده بازنشستگان

تجمع اعتراضی سراسری بازنشستگان شرکت مخابرات در شهرهای سنندج، تبریز، همدان، زنجان، گیلان و شهرکرد، اصفهان، کرمانشاه، بیجار، ایلام، تهران و دیگر شهرها برگزار شد.

سه شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴

تجمع اعتراضی دانشجویان دکتری تخصصی علوم پزشکی شیراز نسبت به سطح نازل حقوق و اعتبار پژوهشی مقابل ساختمان مرکزی

روز دوشنبه ۱۵ اردیبهشت، جمعی از دانشجویان دکتری تخصصی علوم پزشکی شیراز برای اعتراض به سطح نازل حقوق و اعتبار پژوهشی مقابل ساختمان مرکزی این واحد آموزش عالی در استان

فارس تجمع کردند و خواستار افزایش حداقل صد درصدی دستمزد ماهیانه و بهبود اعتبار پژوهشی رشته های تخصصی شدند.

تجمع مردم اردکان یزد در مقابل اداره برق در اعتراض به قطع پیامی و طولانی مدت برق، روز ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۴۰۴

بنا بر گزارشهای منتشره در شبکه های اجتماعی، روز ۱۶ اردیبهشت علاوه بر مردم اردکان یزد، نانوایان اصفهان، کرمانشاه، استان مازندران و برخی شهرهای دیگر دست به اعتراض علیه قطعی فلج کننده برق زدند.

مرگ جوجه ها، خاموشی امیدها...

در سایه خاموشی های مکرر و بی برنامه، این بار مرغداری ها قربانی شدند؛ صدها جوجه یکروزه بر اثر قطع برق تلف شدند. سیستم تهویه و تأمین دمای مورد نیاز از کار افتاد، و در عرض چند ساعت، جوجه های که باید به تولید و سفره مردم می رسیدند، به لاشه تبدیل شدند.

صاحبان مرغداری ها از میلیون ها تومان خسارت می گویند؛ می گویند کسی پاسخگو نیست، می گویند نه برق دارند، نه امید به جبران.

وقتی حتی برق یک سالن تولید ساده تأمین نمی شود، چطور انتظار دارند امنیت غذایی برقرار بماند؟ خاموشی ها فقط چراغ خانه ها را خاموش نمی کند؛ اقتصاد کوچک مقیاس، مشاغل خرد و نفس تولید را هم می برد.

کسبه «آهن مکان»، بازار بزرگ آهن تهران، روز دوشنبه ۱۵ اردیبهشت در اعتراض به قطع مکرر تجمع اعتراضی برگزار کردند.

به گفته یکی از معترضان برق این بازار در سه شبانه روز گذشته قطع بوده است.

قطع مکرر و بی برنامه برق مشکلات زیادی را برای شهروندان ایجاد کرده و موجب اختلال در مشاغل مختلف شده است. وزارت نیرو در زمستان علت خاموشی های گسترده را «کمبود سوخت نیروگاه ها» عنوان کرده و خواستار صرفه جویی مردم در مصرف انرژی

صفحه ۱۷



Parlow TV
تلویزیون پرتو
رسانه تصویری حزب حکمتیست
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست، فرکانس: ۱۲۵۹۴، پولاریزاسیون: عمودی،
سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰، اف ای سی: ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران:
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۳:۳۰
تکرار روز بعد در ساعت های: ۳:۳۰ تا ۴:۳۰، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

اخبار مبارزات کارگری و

جنبشهای اعتراضی...

شده بود، در حالی که پروژه های اقتصادی نور چشمی های رژیم همراه با نهادهای تبلیغ خرافات مانند حوزه های "علمیه" "مساجد" "صدا و سیمای فاسد" لحظه ای بر قشان قطع نمیشود. ()

جمهوری اسلامی خود باجگیر کامیونداران است!

پلیس با راهزنان همدست است!

ایران شهر (استان سیستان و بلوچستان): راهزنی مسلحانه در جاده ی "دلگان" از کامیونداران، در همدستی با نهادهای امنیتی و پلیس برای چپاول رانندگان کامیون.

تداوم کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» در هفته شصت و هفتم در ۴۱ زندان مختلف

حکومت اعدام و سرکوب در هفته‌ای که گذشت، ۲۹ زندانی را به دار آویخت. روز ۱۰ اردیبهشت، ۱۵ زندانی و روز ۱۴ اردیبهشت، ۹ زندانی اعدام شدند. به این ترتیب از ابتدای سال تاکنون ۱۵۴ تن به دار آویخته شده‌اند

حاکمان مستبد در اقدامی سبعانه، یک شهروند به نام عظیم فرخوند را که به همراه جمعی از مردم دزفول در تجمع اعتراضی علیه اعدام دو زندانی شرکت کرده بود، با شلیک گلوله جنگی به قتل رساند. از نظر کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام، وی اولین جان‌باخته «نه به اعدام» از ابتدای شروع این کارزار است. یادش را گرامی می‌داریم و تأکید می‌کنیم تا زمانی که این حکومت بر سر قدرت است، به هیچ قیمتی از اعدام کوتاه نمی‌آید.

کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» هشدار می‌دهد در موقعیت کنونی که حکومت ایران در بنبست‌های داخلی و بین‌المللی قرار گرفته، از

اعدام به‌عنوان اصلی‌ترین عامل سرکوب استفاده می‌کند تا به این ترتیب مانع شکل‌گیری حرکت‌های اعتراضی و قیام مردم به ستوه‌آمده شود. بنابراین ضروری است که نهادها و سازمان‌های حقوق بشری بین‌المللی، دولت‌های خود را ملزم کنند که روابط خود با حکومت ایران را مشروط به لغو اعدام نمایند؛ زیرا حربه اعدام در دست این استبداد از هر سلاحی خطرناک‌تر است.

از طرفی ما همچنان از تمام اقشار اجتماعی می‌خواهیم به هر شکل ممکن متحد و یکصدا علیه اعدام بایستند.

کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام»، سه‌شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴، در ۴۱ زندان زیر برای شصت و هفتمین هفته در اعتصاب غذا خواهند بود:

زندان اوین (بند زنان، بند ۴ و ۸)، زندان قزلحصار (واحد ۳ و ۴)، زندان مرکزی کرج، زندان تهران بزرگ، زندان خورین ورامین، زندان چوبیندر قزوین، زندان اراک، زندان خرم‌آباد، زندان اسدآباد اصفهان، زندان دستگرد اصفهان، زندان شیبان اهواز، زندان سپیدار اهواز (بند زنان و مردان)، زندان نظام شیراز، زندان عادل‌آباد شیراز (بند زنان و مردان)، زندان زاهدان (بند زنان)، زندان برازجان، زندان رامهرمز، زندان بهبهان، زندان بم، زندان کهنوج، زندان طبس، زندان مشهد، زندان گنبدکاووس، زندان قائمشهر، زندان رشت (بند مردان و زنان)، زندان رودسر، زندان حویق تالش، زندان ازبیرم لاهیجان، زندان دیزل‌آباد کرمانشاه، زندان اردبیل، زندان تبریز، زندان ارومیه، زندان سلماس، زندان خوی، زندان نقده، زندان میاندوآب، زندان سقز، زندان بانه، زندان مریوان، زندان سنندج و زندان کامیاران.

هفته شصت و هفتم

آدرسهای تماس با حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

رحمان حسین زاده

Hosiansade.r@gmail.com

دبیر اجرایی

سعید یگانه

saidyegane@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

Saeed_arman2002@yahoo.co.uk

UK

هینت تحریریه نشریه کمونیست:

سیاوش دانشور، ملکه عزتی، سیوان کریمی، پروین کابلی، رحمان حسین زاده، هلاله طاهری، ناصر مرادی

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

سر دبیر سعید یگانه

saidyegane@gmail.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

هفتگی کمونیست

سر دبیر در انتشار ورد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.

آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!